



### سینماها در بهمن چقدر فروختند؟

در بهمن ماه امسال ۱۱ روز آن با جشنواره فیلم فجر هم‌زمان شده بود، ۲ میلیون و ۴۲۰ هزار نفر به سینما رفتند که این تعداد مخاطب در ۶۸ هزار و ۲۶۴ سانس، ۱۱۱ میلیارد و ۱۰۰ میلیون تومان به گیشه سینماها واریز کردند. ایرنا ضمن اعلام این خبر نوشت، «هواوی» هم‌چنان با اختلاف، پیشتاز گیشه بوده است و توانست با ۷۸۳ هزار مخاطب، ۳۷ میلیارد و ۷۰۰ میلیون تومان بفروشد. «هتل» در گیشه امسال ماه، طی بهمن ماه، ۵۶۳ هزار نفر را به سینماها کشاند و ۲۷ میلیارد و ۲۰۰ میلیون تومان نیز گیشه داشت. رتبه سوم اقبال در گیشه بهمن ماه، به «ویلاي ساحلی» رسید که ۲۸۲ هزار مخاطب داشت و به فروشی معادل ۱۴ میلیارد و ۲۰۰ میلیون تومان رسید. «فسیل» در یازدهمین ماه آکران خود، با ۲۱۷ هزار مخاطب در رده چهارم قرار گرفت. گیشه این فیلم نیز ۱۰ میلیارد و ۵۰۰ میلیون تومان بوده است.



### آخرین وضعیت تتلو

سخنگوی قوه قضائیه با حضور در بیست و چهارمین نمایشگاه مطبوعات، درباره آخرین وضعیت قضایی امیر حسین مقصودلو توضیحاتی داد. ایرنا ضمن اعلام این خبر نوشت، مسعود ستایشی، سخنگوی قوه قضائیه درباره آخرین وضعیت پرونده امیر حسین مقصودلو (تتلو) و توماج صالحی (ریپر) گفت: «آقای تتلو در حال حاضر چند پرونده دارد. یکی از پرونده‌های اخیراً متضمن کيفر خواست شده، به دادگاه صالح انقلاب اسلامی تهران ارسال شده و پرونده‌اش در حال رسیدگی است.» او درباره پرونده توماج صالحی هم گفت: «از آخرین وضعیت پرونده این شخص مطلع نیستیم و به محض مطلع شدن، اطلاع‌رسانی خواهد شد.» امیر حسین مقصودلو روز یکشنبه، دوازدهم آذرماه ۱۴۰۲ توسط پلیس ترکیه دستگیر شد و روز چهارشنبه، پانزدهم آذرماه ۱۴۰۲ در مرز بازرگان تحویل ایران شد و بلافاصله با دستور قضایی بازداشت شد.



### تسلط ۴ فیلم چینی بر بازار جهان

چهار فیلم چینی در آخرین هفته سال چین، فروش گیشه‌های چین و جهان را در دست گرفتند و «بولو»، کمدی درامی درباره کاهش وزن و کشف خود، برای دومین بار هفته متوالی، عنوان پرفروش‌ترین فیلم سراسر جهان را از آن خود کرد. مهر ضمن اعلام این خبر به نقل از ویرایتی نوشت، «بولو» در فاصله جمعه تا یکشنبه ۸۶/۵ میلیون دلار فروخت تا مجموع فروش ۹ روزه خود را به ۴۰۲ میلیون دلار برساند. این فیلم دومین فیلم جیا لیینگ است که پیش از آن با فیلم موفق سال نو ۲۰۲۱، یعنی «سلام، مامان» خود را شناسانده بود. با فاصله‌ای کم پس از «بولو»، کمدی مسابقه‌ای «پگاسوس ۲» جای گرفته که در آخر هفته اخیر ۸۰/۶ میلیون دلار به‌دست آورده و مجموع فروشش را به ۳۵۶ میلیون دلار رسانده است. «مامه ۲»، یک کمدی حقوقی، به کارگردانی ژانگ ییمو هم چشمگیر ظاهر شده و در فهرست پرفروش‌های آخر هفته چین و جهان، جایگاه سوم را به‌دست آورده است.

## زندگی با چشمان باز



سحر عصراآزاد منتقد سینما

فیلم سینمایی «شب، داخلی، دیوار»، یک درام ملتهب اجتماعی در نقطه تلاقی واقعیت، ذهنیت و حقیقت است که با محور قرار دادن تردیدهای یک مأمور امنیتی، قابل تعمیم به وقایع سیاسی همه دهه‌های اخیر تا قبل از اعتراضات

۱۴۰۱ است که به‌نوعی حجت را بر آنها که جویای حق و حقیقت‌اند، تمام کرد. وحید جلیلود بعد از «چهارشنبه ۱۹ اردیبهشت» و «بدون تاریخ، بدون امضا»، سومین فیلم خود را براساس فیلمنامه‌ای از خودش با تهیه‌کننده همیشگی آثارش، علی جلیلود ساخته که اولین نمایش آن سپتامبر ۲۰۲۲ (شهریور ۱۴۰۱) در هفتادونهمین جشنواره بین‌المللی فیلم ونیز بود. در واقع فیلم سال ۱۴۰۰ و یک سال قبل از اعتراضات ۱۴۰۱ ساخته شده که به زعم نگارنده و چه‌بسا سازندگان این اثر، هنوز خطوط قرمز بر خورد قهرآمیز این چنین درهم‌نشدگسته بود. از همین رو پرداختن به تردیدهای یک مأمور و موقعیت بحرانی او که درگیر

کشمکش‌های درونی و بیرونی شده و به‌واسطه بیداری وجدان دست به یک کنش انتحاری می‌زند، در آن مقطع می‌توانست سازنده یک درام ملتهب اجتماعی با مایه‌های سیاسی، گزنده و قابل تعمیم به وقایع قبل از خود باشد. در روزگاری که پرداختن به گروه‌ها و نگاه‌های مخالف با رویکردی منصفانه امکان‌پذیر نبود (امروز که غیرممکن است)، طبعاً پرداختن به تردیدها، تضادها و تناقض‌ها از نقطه‌نظر یک مأمور خودی، از معدود راه‌های ممکن برای انتقاد از عملکرد این قشر و بالادستی‌ها بود. با چنین پیش‌زمینه‌ای و بر چنین بستری، فیلم بر محور درامی تودر تو با پیش‌برندگی کاراکتر علی (نوید محمدزاده) حرکت می‌کند که در موقعیتی مهیم، با ناپیوستگی تدریجی دست‌وپنجه نرم می‌کند. روندی که به او امکان پرسه زدن در گذشته و حال عینی / ذهنی را داده و به گفته بهتر او را به دیدن با چشم سر و امی دارد که از ملزومات بینایی برآمده از بیداری است که علی به‌رغم ناپیوستگی در مسیر آن قرار گرفته است. به‌همین‌واسطه چه‌بسا بهترین راهکار این باشد که فیلم را از دریچه ذهن



# نه وهم، نه واقعی

«شب، داخلی، دیوار» برستون‌هایی می‌خواهد سوار شود که از اساسش بنا شده



علی ورامینی دبیر گروه فرهنگ

باز هم فیلم دیگری قاچاق شد و این بار نوبت به «شب، داخلی، دیوار»، آخرین ساخته وحید جلیلود رسید. اینکه چرا و چطور نسخه با کیفیت مجاز به صورت گسترده پخش می‌شود،

یک بحث است. اینکه چنین اتفاقی چه تبعاتی برای سینمای ایران دارد بحث دیگر. حتی اگر دست‌اندرکاران و سرمایه‌گذاران فیلم‌های قاچاق شده به لحاظ مالی هیچ ضرری نکنند، مثلاً پخش‌کننده خارجی امتیاز آن را خریده باشد یا با فروش بین‌المللی به سودی قابل توجه برسد، باز نسبت به تبعات چنین اتفاقاتی برای سینمای ایران نمی‌توان نگران نبود. وضعیتی که اندک فیلم‌های قابل توجهی که در این وضعیت نامطلوب سینما (که یک‌سوی آن کمدی‌های مبتذل و سخیفی که وهن

سینما و مخاطبند پرفروش می‌شوند و سوی دیگر آن را فیلم‌های نهادهای حکومتی قبضه کرده‌اند) اجازه آکران پیدا نمی‌کنند و از مجرای غیررسمی به تلویزیون خانه‌ها و مانیتورها می‌آیند. اولین خسران این اتفاق، برای فیلمساز و عوامل فیلمی است که با هزار امید و آرزو برای خلق اثری زحمت کشیده‌اند و آن را برای پرده بزرگ سینما ساخته‌اند و البته که تماشای جمعی، حال آکران فیلم محدود می‌شود به قاب کوچک تلویزیون، با همه محدودیت‌های خودش و بدتر از آن دیدن فیلم در انزوا.

## در میانه شورش و اصلاح



فرزاد نعمتی خبرنگار گروه فرهنگ

جامعه ایران در دهه اخیر سال‌های آشوبناکی را از سر گذرانده است و انواع و اقسام اعتراض‌ها، شورش‌ها و اعتصاب‌ها را به خود دیده است. در برهه‌ای از زمان هر هفته شاهد انعکاس اخباری درباره اعتراض اقشار مختلف کارگران، فرهنگیان، دانشجویان و سایر مردمان به روندها، سیاست‌ها، مشکلات معیشتی و... بوده‌ایم. در تحلیل جامعه‌شناسانه اعتراض‌های اجتماعی همواره این نکته مورد توجه قرار می‌گیرد که محرک نخستین و وجه مشترک تمام صورت‌های متفاوت اعتراض اجتماعی، «نارضایتی» است و طبیعی است در جامعه‌ای که رشد اقتصادی آن در دهه ۱۳۹۰ صفر بوده است، معضلات و گرفتاری‌های اقتصادی و نابسامانی‌های اجتماعی، روزبه‌روز ابعادی وخیم‌تر به خود بگیرد و فریاد اعتراض مردمان به‌سویه آمده را در پی داشته باشد. نارضایتی البته در همه جوامع و در همه سطوح طبقاتی کم‌وبیش وجود دارد، اما نحوه مدیریت نارضایتی‌ها در جوامع توسعه‌یافته و جوامع توسعه‌نیافته بسیار متفاوت است و همین تفاوت باعث شکل‌گیری روندهای بسیار متفاوتی، حتی در زیست روزمره مردمان می‌شود. در کشورهای توسعه‌یافته عموم این نارضایتی‌ها از طریق مجاری حزبی، صنفی

و حرفه‌ای به تصمیم‌سازان منتقل می‌شود و در نهایت به‌طرزی مسالمت‌آمیز و به‌طور تدریجی رفع و رجوع می‌شوند. انسداد وضعیت اصلاح (Reform) اما در کشورهای توسعه‌نیافته موجب شکل‌گیری جریان‌های اعتراضی خشونت‌باری می‌شود که دانشمندان علوم سیاسی معمولاً آنها را «شورش» می‌نامند. یکی از نقاط تمایز شورش و فرم جدا از خشونت‌بار بودن و هزینه‌زا بودن آن، به افشاری برمی‌گردد که در جریان‌های شورشی دست بالا را دارند. این سخن بدین معناست که در روندهای اصلاحی، طبقه متوسط نقش جریان غالب فعالان را شامل می‌شود. ویژگی مهم این طبقه یکی تنم نسبی مادی و دیگری بهره‌مندی از قدرت نرم و سواد رسانه‌ای است و همین باعث می‌شود آنها بتوانند خواسته‌های معینی را به شکل مشخصی نظیر حضور در انتخابات و تشکیل نهادهای صنفی و کانون‌های فرهنگی و احزاب سیاسی به پیش ببرند. در شورش‌ها اما طبقات پایین جامعه دست بالا را پیدا می‌کنند. این افشار در درجه اول مشکل اقتصادی دارند و غم نان، آنها را به خیابان کشانده است. چه‌بسا در وهله‌ای نیز کوشیده باشند با طومار نویسی و تجمع‌های مسالمت‌آمیز و اعتصاب‌های موقتی به خواسته‌های خود برسند اما عموم این اشکال اعتراض آنها یا به‌شکلی ناقص انجام می‌شود یا آنکه نزد صاحبان قدرت محلی از اعراب پیدا نمی‌کند. ضعف این افشار در قدرت نرم و سواد رسانه‌ای دلیل عمده مهجور ماندن فعالیت آنهاست و از قضا همین نادیده‌انگاری باعث خشم روزافزون و بروز رفتارهای هیجانی و تخریبی نزد آنها می‌شود که خود بهانه‌ای به نیروهای امنیتی برای افزایش شدت عمل در برابر آنها می‌دهد. بازنمایی این وضعیت شورشی و اصلاحی در سینمای ایران نیز مسبقاً به‌سابقه است و در سال‌های اخیر نمایش وضعیت‌های اعتراض کارگران در برخی از فیلم‌های ایرانی نشان

می‌دهد، نویسندگان و کارگردانان سینما نیز می‌کوشند حتی المقدور نسبت به این تحولات واکنشی داشته باشند. برای نمونه، فیلم «برادران لیلا» نیز با سکانس درگیری کارگران کارخانه با نیروهای انتظامی و امنیتی شروع می‌شود. در آخرین فیلم وحید جلیلود، اما این بازنمایی به وجه عمده و پیش‌برنده داستان فیلم بدل می‌شود. فیلم، داستان زنی کارگر را به ما نشان می‌دهد که در فرار خود از مهلکه، به خانه مردی نابینا وارد می‌شود که به‌مرور در می‌یابیم او نیز با این جنس اعتراض‌ها و شورش‌ها آشنایی دارد. با این همه آنچه در فیلم «شب، داخلی، دیوار» به تصویر کشیده می‌شود، بیانگر آن است که شخصیت زن این داستان (لیلا موحد) که نامش تداعی‌کننده شخصیت «دختر خیابان انقلاب» نیز هست، در وهله اول معترضی نه‌چندان پرشور است که در حاشیه اعتراض، نقش تماشاچی را برعهده دارد و می‌خواهد با یک امضاء نقش خود را ایفا کرده باشد. او اما بنا به یک اتفاق، درگیر بر خورد با نیروی امنیتی می‌شود و در اینجا وضعیتی شورشی/فراری به خود می‌گیرد. با این همه او در جریان اختفا و آشنایی با علی و بعدتر در نامه‌هایی که به او می‌نویسد، دچار تحولی نسبی می‌شود. نمونه‌اش آنجا که از علی می‌خواهد به او اجازه بدهد که برای مأموران شرح ماجرا را توضیح بدهد یا بعدتر که به نوشتن نامه روی می‌آورد. این دگردیسی قدرت نرم در این شخصیت اما در فیلمنامه آنچنان که باید، مورد توجه قرار نگرفته و ظرفیت آن به‌نوعی هدر رفته است. حتی به‌نظر می‌رسد که انتخاب نام این زن نیز با چنین پیش‌فرضی صورت گرفته باشد، اما آنچه برای ما به‌عنوان تماشاگر روی پرده آکران می‌شود، تناسب نامی با این تحول ندارد و به‌همین دلیل است که فیلم در القای مضمون و هدف اصلی خود ناکام می‌ماند و مشخص نیست در این فیلم سراسر خاکستری باید به کدامین گروه حق داد و از کدامین گروه شکایت کرد. از این منظر «شب، داخلی، دیوار» فیلمی است که دچار لکتند است. برای توضیح بیشتر، شاید بتوان با از جاعی به فیلم «برادران لیلا» به مسئله بازنگریست. در آن فیلم علیرضا نوید محمدزاده) در آغاز، از مهلکه درگیری در کارخانه فرار می‌کند، اما در انتهای فیلم و پس از ازسرگرداندن تجربه تلخ بالارفتن دلار و... وقتی وارد کارخانه می‌شود حق و حقوقش را مطالبه می‌کند و هنگامی که شیشه سکوریت سالیان کارخانه را می‌شکند، مخاطب آن را به‌درستی نتیجه آن تجربه‌های قبلی می‌تواند قلمداد کند. در «شب، داخلی، دیوار» اما این اتصال و رشته استدلال چندان محکم و متقن نیست و به‌همین دلیل عموم شخصیت‌های این فیلم نیز گنگ و مابه‌تردید هستند.

